

Health-Promoting Lifestyle in Vulnerable Women and Related Demographic Factors in Iran

Zeinab Hamzehgardeshi^{1,2},
Ensieh Rashidi³,
Farideh Rezaei Abhari⁴

¹ Professor, Department of Midwifery, School of Midwifery and Reproductive Health, Sari, Iran

² Sexual and Reproductive Health Research Center, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

³ MSc Student of Counseling in Midwifery, School of Midwifery and Reproductive Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

⁴ Instructor, Department of Midwifery, Nasibeh School of Midwifery and Reproductive Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

(Received July 20, 2024 ; Accepted September 30, 2024)

Abstract

Background and purpose: Women are considered more vulnerable than men due to various biological, genetic, and physical factors, including conditions such as pregnancy and breastfeeding. Additionally, societal structures contribute to this vulnerability. Factors such as the lack of social justice, gender biases, unemployment, unequal job opportunities, insecurity, limited access to education, cultural problems, traditional gender roles, and a lack of recognition for women's capacity and potential all exacerbate the vulnerability of women. Over recent decades, the population of vulnerable women has increased significantly. On the other hand, health-promoting behaviors are major determinants of public health. Therefore, this study was designed and conducted to assess health-enhancing lifestyles among women who visited the Behavioral Diseases Counseling Center in Sari city, as well as the related demographic and social factors.

Materials and methods: This descriptive-analytical cross-sectional study included 174 vulnerable women who visited the Behavioral Diseases Counseling Center in Sari city. Participants were selected using a convenience sampling method. Data were collected using a questionnaire that measured socio-demographic factors and health-promoting lifestyles. The questionnaire comprised 52 items in six areas: nutrition (9 questions), physical activity (8 questions), health responsibility (9 questions), stress management (8 questions), interpersonal relationships (9 questions), and spiritual growth (9 questions). Data were analyzed using SPSS software (version 20). Descriptive statistics, such as frequency, mean, median, and standard deviation, were used to summarize demographic characteristics. For inferential analysis, the normality of variables was assessed using the Shapiro-Wilk test. Independent t-tests and one-way analysis of variance were used to compare health-promoting lifestyle scores across two-level and multi-level variables, respectively. Spearman's correlation coefficient and linear regression were also employed for further analysis.

Results: The mean and standard deviation (SD) scores for the components of the health-promoting lifestyle questionnaire were as follows: self-actualization (mean $\pm$ SD: 28.12 $\pm$ 6.77), health responsibility (31.90 $\pm$ 6.18), interpersonal support (19.25 $\pm$ 4.65), stress management (11.13 $\pm$ 3.35), physical activity (14.83 $\pm$ 5.62), and nutrition (19.81 $\pm$ 4.96). The highest and lowest scores were observed in the components of health responsibility and stress management, respectively. Overall, the mean score for health-promoting lifestyles was 127.02 $\pm$ 23.23, with 43.3% of participants having a favorable health-promoting lifestyle. Logistic regression analysis revealed that socio-demographic variables such as age, education, occupation, monthly income sufficiency, and history or current infection with sexually transmitted diseases were significantly associated with the desirability of health-promoting lifestyles ($P=0.001$). The coefficient of determination ($R^2=0.34$) indicated that these variables accounted for 34% of the variance in health-promoting lifestyle scores.

Conclusion: Given the importance of health-promoting behaviors in improving public health, particularly among women, it is essential to identify and enhance these behaviors through applied and interventional studies. Increasing awareness and addressing socio-demographic factors can play a crucial role in improving women's health.

Keywords: lifestyle, promoter, health, women, demographic

J Mazandaran Univ Med Sci 2024; 34 (237): 75-88 (Persian).

Corresponding Author: Farideh Rezaei Abhari – School of Midwifery and Reproductive Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran. (E-mail: far2248@yahoo.com)

سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت در زنان آسیب پذیر و عوامل جمعیتی اجتماعی مرتبط با آن در ایران

زینب حمزه گردشی^۱

انسبه رشیدی^۲

فریده رضایی ابهری^۳

چکیده

سابقه و هدف: زنان به علت فاکتورهای بیولوژیکی، ژنتیکی، فیزیکی و شرایطی نظیر حاملگی و شیردهی و هم چنین به واسطه ظرفیت و پتانسیل وجودی خود در برابر صدمات جدی اجتماعی آسیب پذیرتر از مردان قلمداد می شوند. ساختار اجتماعی جوامع از جمله نبود عدالت اجتماعی، نگاه جنسیتی، بیکاری، فرصت های نابرابر شغلی، فقدان امنیت، ضعف آموزش، مشکلات فرهنگی، نگاره های تفکر سنتی مردان در خصوص زنان و باور نداشتن به ظرفیت و پتانسیل زنان از دیگر دلایل آسیب پذیری این گروه می باشد. نرخ جمعیت زنان آسیب پذیر در دهه های اخیر رشد گسترده ای داشته است. از طرفی رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت یکی از شاخص های عمده تعیین کننده سلامت عمومی می باشد. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامتی در زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری و عوامل جمعیتی- اجتماعی مرتبط با آن طراحی و اجرا شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس ۱۷۴ نفر از زنان آسیب پذیر مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری، مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه عوامل اجتماعی- دموگرافیک و سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت بود. این ابزار که رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت را بررسی می کند، حاوی ۵۲ سوال در شش حیطه: تغذیه (۹ سوال)، فعالیت جسمانی (۸ سوال)، مسئولیت پذیری در مورد سلامتی (۹ سوال)، مدیریت استرس (۸ سوال)، روابط بین فردی (۹ سوال) و رشد معنوی (۹ سوال) می باشد. داده های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای مشخصات دموگرافیک از روش آماری توصیفی نظیر فراوانی، میانگین، میانه و انحراف معیار استفاده شد. در تحلیل استنباطی با استفاده از آزمون نرمال بودن (شاپیرو-ویلک (Shapiro-wilk)) به بررسی نرمال بودن متغیرها پرداخته شد. جهت مقایسه نمره سبک ارتقاءدهنده سلامتی در سطوح متغیرهای دو سطحی و چندسطحی به ترتیب از آزمون تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی استفاده شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار به دست آمده در مولفه های پرسشنامه سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت که شامل: خودشکوفایی با میانگین و انحراف معیار $28/12 \pm 6/77$ ، میانگین و انحراف معیار مسئولیت پذیری $31/90 \pm 6/18$ ، میانگین و انحراف معیار حمایت بین فردی $19/25 \pm 4/65$ ، میانگین و انحراف معیار مدیریت استرس $13/11 \pm 3/35$ ، میانگین و انحراف معیار ورزش $14/83 \pm 5/62$ ، میانگین و انحراف معیار تغذیه $19/81 \pm 4/96$ بود. هم چنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد، بیش ترین و کم ترین نمره مولفه های مربوط به پرسشنامه سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت به ترتیب مربوط به مولفه های مسئولیت پذیری و مدیریت استرس بود. در مجموع میانگین و انحراف معیار سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت $127/02 \pm 23/23$ بود. ۴۳/۳ درصد سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت مطلوبی داشتند. در مدل رگرسیون لجستیک مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت بر حسب متغیرهای جمعیتی اجتماعی (سن، تحصیلات، شغل، ارزیابی میزان کفایت در آمد ماهانه، سابقه یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی) از نظر آماری با $P=0/001$ معنی دار بود. ضریب تعیین $0/34$ بیانگر آن است که متغیرهای مذکور می توانند ۳۴ درصد در مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت موثر باشند.

استنتاج: با توجه به اهمیت رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در ارتقاء سلامت افراد جامعه به خصوص زنان، شناخت و بهبود هر چه بیش تر این عوامل در قالب مطالعات مداخله ای و کاربردی می تواند مؤثر واقع شود. علاوه بر این افزایش آگاهی در مورد چنین عواملی می تواند نقش تعیین کننده در بهبود سلامت زنان داشته باشد.

واژه های کلیدی: سبک زندگی، ارتقاءدهنده سلامت، زنان، آسیب پذیر

E-mail: far2248@yahoo.com

مؤلف مسئول: فریده رضایی ابهری - ساری: دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشکده پرستاری و مامایی نسیه

۱. استاد، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی نسیه، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳. دانشجوی مشاوره در مامایی علوم پزشکی مازندران، دانشکده پرستاری و مامایی نسیه، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۴. مربی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی نسیه، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۳۰ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۱۴۰۲/۵/۲۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۷/۹

مقدمه

زنان آسیب‌پذیر به کسانی گفته می‌شود که خود و یا همسرانشان مصرف‌کننده مواد باشند، همسرانشان زندانی باشند، زنانی که شرکای جنسی متعدد داشته باشند و زنانی که سرپرست خانوار باشند (۱). نرخ جمعیت زنان آسیب‌پذیر در دهه‌های اخیر رشد گسترده‌ای داشته است. امروزه ۶۰ درصد زنان در جهان نان‌آور خانواده هستند و ۳۷/۵ درصد خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می‌کنند (۲). این گروه از زنان با مشکلاتی از جمله عدم امنیت اجتماعی، مشکلات بهداشتی، عدم رفاه اجتماعی-اقتصادی و تهدید سلامت روبه‌رو هستند. تهدید سلامت عمومی به ویژه سلامت روان از معضلات جدی در این گروه می‌باشد (۳). گروه عمده‌ای از این زنان با فقر، ناتوانی، بی‌قدرتی به‌ویژه در اداره امور اقتصادی خانوار روبه‌رو هستند؛ به گونه‌ای که عزت نفس و سلامت روانی آنان را مختل نموده و زمینه ابتلا به افسردگی و سایر اختلال‌ها را فراهم می‌سازد. این گروه، به دلیل این که توانایی اداره امور اقتصادی خود و خانواده خود را ندارند، به سازمان‌های حمایتی روی آورده و به کمک‌های موردی و مستمری‌های ناچیز نهادهای دولتی بسنده کرده و با مسائل زندگی در چارچوب خانه دست و پنجه نرم می‌کنند. از سوی دیگر، گروه دیگری از این زنان افزون بر ایفای نقش مادری، وارد عرصه اقتصادی و بازار اشتغال شده و امور اقتصادی خانواده را نیز هدایت می‌کنند و به دلیل عدم دسترسی به مشاغل با منزلت، مجبور به اشتغال در مشاغل حاشیه‌ای، نیمه‌وقت، غیررسمی و کم‌درآمد می‌شوند (۴). با توجه به این که زنانی که در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند، بیش‌ترین صدمات و لطمات را خواهند دید و از حساسیت‌های بیش‌تری نسبت به تنش‌های محیطی-اجتماعی برخوردارند (۵)، بنابراین با درک مناسب عوامل منجرشونده به آسیب‌پذیری زنان و شناخت پتانسیل و ظرفیت زنان تا حدود زیادی می‌توان فرآیند آسیب‌پذیری این قشر از گروه‌های مردم را مشخص نمود (۴).

سلامت زنان از اولویت‌های هر جامعه‌ای است بنابراین ارتقاء و تأمین سلامت زنان یکی از ارکان مهم پیشرفت جوامع می‌باشد و روز به روز توجه به این مهم افزایش می‌یابد (۶). مطالعات نشان داده‌اند که سبک زندگی ناسالم یکی از عوامل اثرگذار در بروز بیماری‌های مزمن از جمله سرطان کولون، فشارخون بالا، بیماری‌های مزمن انسدادی ریوی، سیروز کبدی، زخم معده، ایدز و بیماری‌های قلب و عروق می‌باشد (۷). براساس آمارهای گزارش شده در مورد علل اصلی مرگ‌ومیرها، سبک زندگی ناسالم و رفتارهای غیربهداشتی ۵۳ درصد از این علل را شامل می‌شود (۸). رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده برای سلامتی است (۹) و می‌تواند باعث تأثیر بالقوه طولانی مدت بر پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر و کیفیت زندگی شوند که این اثرات با طولانی‌تر شدن عمر، کاهش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی-درمانی و افزایش تولید ملی آشکار می‌شود (۱۰). افراد دارای رفتار ارتقاءدهنده، سالم‌تر بوده و بار بیماری و ناتوانی کم‌تری خواهند داشت (۱۱). براساس نظریه پندر، رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت شامل هر گونه فعالیت می‌باشد که جهت افزایش و یا نگهداری سطح سلامتی و خودشکوفایی فرد و یا گروه‌ها انجام گیرد (۱۲) و شامل مسئولیت‌پذیری سلامتی، رشد معنوی، فعالیت فیزیکی، تغذیه، روابط بین فردی و کنترل استرس می‌باشد (۱۳).

رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت یکی از شاخص‌های عمده تعیین‌کننده سلامت عمومی می‌باشد که به عنوان عامل زمینه‌ای در عدم ابتلاء به بسیاری از بیماری‌ها بوده و تأثیر بالقوه طولانی مدت بر کیفیت زندگی دارد. رفتارهای ارتقاء سلامت شامل رفتارهایی می‌شود که طی آن فرد به تغذیه مناسب، ورزش منظم، دوری از رفتارهای پرخطر، محافظت در برابر حوادث، تشخیص به موقع نشانه‌های بیماری در ابعاد جسمی و روانی، کنترل عواطف و افکار، سازگاری با استرس، استقلال، اصلاح روابط بین فردی در بعد اجتماعی می‌پردازد. هم‌چنین این رفتارها و

به طبع آن سبک زندگی سالم به طور معناداری در طولانی کردن عمر و امید به زندگی اثر دارد (۱۴، ۱۳). مراکز مشاوره بیماری های رفتاری، یکی از تجربیات موفق کشور است که توانسته گام های موثری در کنترل HIV و دیگر بیماری های رفتاری بردارد. این مراکز توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت آموزش، مشاوره و پیشگیری در سه حوزه مشاوره و درمان اعتیاد؛ مشاوره و درمان ایدز؛ مشاوره و درمان بیماری های آمیزی به صورت رایگان و بدون دریافت هزینه راه اندازی شده است و حتی در صورت تمایل مراجعه کننده، خدمات دهی به صورت مخفی و ناشناس انجام می شود (۱۵).

مطالعات مختلفی در راستای ارتقاء سلامت زنان آسیب پذیر صورت گرفته است اما مطالعه ای مشابه با مطالعه حاضر تاکنون صورت نگرفته است. مقدم تبریزی و همکاران در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی وضعیت رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی و ارتباط آن با خودکارآمدی و حمایت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار حاشیه شهر ارومیه"، به این نتایج دست یافتند که بین مشخصات جمعیت شناختی تأهل و تحصیلات با رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی، ارتباط مثبت معنی داری مشاهده شد ($P < 0/001$) اما بین شغل و سن با رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی، ارتباط معنی داری وجود نداشت (۱۶).

ملکی و همکاران در مطالعه ای تحت عنوان "رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در زنان شهرستان فسا" به این نتایج دست یافتند که بین خرده مقیاس فعالیت فیزیکی و شغل زنان رابطه معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). رابطه بین خرده مقیاس های رشد معنوی و روابط بین فردی با سطح تحصیلات نیز معنادار بود (به ترتیب $P = 0/011$ و $P = 0/038$) (۱۷). خسروان و همکاران مطالعه ای با هدف "تعیین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی و عوامل مرتبط با آن در زنان سرپرست خانوار" انجام دادند. نتایج مطالعه نشان داد میانگین نمره آماری رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در سطح متوسط $123/16 \pm 20/42$ بوده است و با عوامل شناختی و عاطفی خودکارآمدی، موانع و

روابط بین فردی رابطه معنی داری نشان داد ($P < 0/05$). در بین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی، رشد معنوی بالاترین میانگین نمره آماری ($24/91 \pm 5/3$) و فعالیت بدنی ($12/83 \pm 3/5$) و مدیریت استرس ($17/83 \pm 3/9$) کم ترین میانگین نمره را داشت (۱۸). Hurlbut و همکاران در مطالعه ای با هدف "تعیین همبستگی بین معنویت و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در بین زنان بی سرپرست بی پناه" به این نتایج دست یافتند که همبستگی مثبت متوسطی بین بهزیستی معنوی و سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت وجود دارد ($r = 0/426$) (۱۹).

با توجه به اهمیت سلامت در جوامع و نقش آن در پیشرفت و توسعه کشورها از یک طرف و افزایش جمعیت زنان آسیب پذیر، تعامل و ارتباطات تنگاتنگ این گروه از زنان با دیگر اقشار جامعه و نقش آنان در خانواده و تربیت کودکان به عنوان مدیران و کارگذاران آینده از طرف دیگر، هم چنین با توجه به این که در جستجوهای انجام شده توسط محققین کم تر مطالعه ای در راستای رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی در زنان آسیب پذیر در کشور انجام شده است، محققین را بر آن داشت که این مطالعه را با هدف تعیین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامتی در زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری و عوامل جمعیتی - اجتماعی مرتبط با آن در سال ۱۳۹۹ طراحی نموده و به اجرا در آورند. امید است نتایج مطالعه حاضر راهنمای مناسب جهت تدوین برنامه های جدیدتر و مناسب در این زمینه باشد.

مواد و روش ها

در این مطالعه مقطعی که از نوع توصیفی تحلیلی می باشد، جامعه مورد مطالعه زنان آسیب پذیر مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری در سال ۱۴۰۰ بودند. معیارهای ورود افراد به مطالعه عبارت بود از: (۱) سواد خواندن و نوشتن، (۲) رضایت برای شرکت در مطالعه، (۳) تابعیت ایرانی، دارا بودن حداقل یک مورد از مواردی که مشمول تعریف زنان

آسیب پذیر می شود (خود و یا همسرانشان مصرف کننده مواد باشند؛ همسرانشان زندانی باشند؛ دارای شرکای جنسی متعدد باشند؛ زنانی که سرپرست خانوار باشند؛ زنانی که بیماری های مقاربتی مثل ایدز و هپاتیت داشته باشند). معیارهای خروج هم شامل: (۱) عدم تمایل به ادامه مطالعه، (۲) عدم پاسخگویی به بیش از ۱۰ درصد سوالات پرسشنامه بود. برای انجام مطالعه با استفاده از پژوهش خسروان و همکاران (۲۰۱۹) (۱۱) و با در نظر گرفتن $\alpha = 0.01$ و هم چنین حد اشتباه برآورد ۴ نمره، حجم نمونه لازم برابر ۱۷۴ نفر محاسبه شد.

$$n = \frac{[Z_{1-\frac{\alpha}{2}}]^2 \times (SD)^2}{(\epsilon)^2}$$

جهت دستیابی به این تعداد حجم نمونه، بعد از کسب مجوز از ریاست محترم مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری، از ایشان جهت نمونه گیری کمک گرفته شد. در روزهای مراجعه گروه هدف به مرکز، پژوهشگر در مرکز حضور داشت و از مراجعینی که واجد معیارهای ورود بودند، به صورت در دسترس و به ترتیب ورود به مرکز اطلاعات موردنظر در راستای پژوهش جمع آوری شد، نمونه گیری تا زمان کفایت نمونه ها ادامه داشت.

ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه مشخصات جمعیت شناختی (وضعیت تاهل، سن، سن همسر، تعداد فرزند، شغل، شغل همسر، تحصیلات، تحصیلات همسر، خودارزیابی از میزان کفایت درآمد ماهانه، خودارزیابی از نظر طبقه اجتماعی اقتصادی، میزان رضایت از طبقه اجتماعی - اقتصادی، وضعیت مالکیت منزل مسکونی، سابقه مصرف سیگار، سابقه مصرف قلیان، سابقه و یا مصرف کنونی مواد مخدر و مصرف داروهای روان گردان، مصرف داروهای اعصاب و روان، سابقه و یا مصرف کنونی الکل، سابقه بیماری جسمی، سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی، سابقه بیماری های روانی تشخیص داده شده توسط پزشک) و پرسشنامه سبک زندگی ارتقادهنده سلامت بود. در پرسشنامه مشخصات جمعیت شناختی منظور از "تجاوز جنسی"، دخول جنسی به یک کودک یا

بزرگسال (واژینال، دهانی یا مقعدی) تعریف می شود که با آلت تناسلی، انگشت یا هر شیئی انجام شده باشد. تجاوز زمانی رخ می دهد که رضایت قربانی به خاطر ترس از مرگ و یا صدمه دیدن باشد و یا این که این عمل از طریق خوراندن دارو و با واسطه زور، تهدید یا فریب صورت گیرد (۲۰). منظور از "مصرف سیگار، قلیان و سابقه یا مصرف کنونی مواد مخدر"، سابقه مصرف در سه ماه گذشته (۲۱)، بود. منظور از "سابقه یا مصرف کنونی الکل"، مصرف کننده فعلی الکل فردی بود که الکل را طی سه ماه اخیر مصرف نموده بود و مصرف کننده پیشین فردی تلقی می شد که الکل را پیش از این زمان مصرف می نموده است (۲۲). منظور از "سابقه یا ابتلای فعلی به بیماری جسمی"، وضعیت جسمی که بیش از یک سال طول بکشد و موجب محدودیت های عملکردی شده و نیازمند پایش یا درمان مستمر باشد شامل سرطان ها، دیابت، پرفشاری خون، سکته مغزی، بیماری های قلبی و عروقی و بیماری های تنفسی (۲۳)، بود. پرسشنامه سبک زندگی ارتقادهنده سلامت این ابزار که رفتارهای ارتقادهنده سلامت را بررسی می کند، توسط واکر و همکاران در سال ۱۹۸۷ ارائه شده است و حاوی ۵۲ سوال در شش حیطه: تغذیه (۹ سوال)، فعالیت جسمانی (۸ سوال)، مسئولیت پذیری در مورد سلامتی (۹ سوال)، مدیریت استرس (۸ سوال)، روابط بین فردی (۹ سوال) و رشد معنوی (۹ سوال) می باشد. ارزیابی سبک زندگی در تمام سوالات با مقیاس چهار نقطه ای لیکرت (۱= هرگز، ۲= برخی اوقات، ۳= اغلب و ۴= همیشه) صورت گرفت. محدوده نمره ی کلی سبک زندگی بین ۲۰۸-۵۲ است و نمره ای که فرد کسب کرد نسبت به میانگین کل (۱۳۰ امتیاز) سنجیده شد؛ به گونه ای که نمره کم تر از میانگین (کم تر از ۱۳۰ امتیاز) سبک زندگی نامطلوب و نمره بیش تر از میانگین (بیش از ۱۳۰ امتیاز) سبک زندگی مطلوب را گزارش می دهد (۲۴). پرسشنامه سبک زندگی ابزاری معتبر و پایا برای بررسی سبک زندگی ارتقادهنده سلامت در فرهنگ های مختلف است.

این ابزار توسط محمدی زیدی و همکاران در ایران مورد روان‌سنجی قرار گرفت. میزان آلفا کرونباخ برابر با ۰/۸۲ بوده است. آلفا کرونباخ زیر شاخه‌های تغذیه، فعالیت جسمی، مسوولیت‌پذیری درمورد سلامت، مدیریت استرس، روابط بین فردی و رشد معنوی به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۹۱، ۰/۷۵، ۰/۶۴ بوده است (۲۵). حسینی و همکاران در ۱۳۹۱ برای تعیین پایایی ابزار از روش آزمون مجدد ($r=0/92$) و جهت محاسبه همسانی درونی از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/95$) استفاده کردند که پایایی ابزار مورد تایید قرار گرفته است (۲۶). برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد. از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار برای توصیف نمونه‌های مطالعه و آزمون‌های آماری استنباطی شامل تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون خطی استفاده شد.

لازم به ذکر است که مطالعه فوق، پس از کسب مجوزهای لازم برای انجام آن، با دریافت کد اخلاق با شماره IR.MAZUMS.REC.1400.200 از معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه و پس از کسب رضایت‌نامه کتبی آگاهانه از زنان، و ضمن بیان اهداف و نحوه انجام مطالعه، انجام شده است. ضمناً به افراد مورد مطالعه اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنان در جهت اهداف مطالعه به کار گرفته خواهد شد و کلیه اطلاعات آن‌ها با حفظ اصل گمنام بودن، محرمانه خواهد ماند.

یافته‌ها

میانگین سن نمونه‌های مورد بررسی $37/18 \pm 11/5$ و سن همسران آنان $41/86 \pm 11/5$ بود. میانگین و انحراف معیار تعداد فرزند $1/23 \pm 1/32$ بود. ۶۱/۲ درصد میزان کفایت درآمد ماهانه خود را تا حدودی کافی و ۶۲/۴ درصد طبقه اجتماعی-اقتصادی خود را متوسط گزارش نمودند. ۵۳/۹ درصد از طبقه اجتماعی-اقتصادی خود تا حدودی راضی بودند. اکثریت آن‌ها خانه‌دار (۳۹/۳ درصد) بودند.

۷۷/۵ درصد بدون سابقه تجاوز، ۶۷/۴ درصد بدون سابقه مصرف سیگار بوده و ۶۵/۲ درصد بدون سابقه مصرف قلیان بودند. ۵۷/۳ درصد سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جسمی و ۲۷/۵ درصد سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی داشتند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بیماری‌های رفتاری شهر ساری در سال ۱۳۹۹

متغیر	مشخصات	تعداد	درصد
میزان تحصیلات	ابتدایی	۱۱	۶/۱
	راهنمایی	۲۱	۱۱/۸
	دیپلم	۶۹	۳۸/۸
	کاردانی	۱۴	۷/۹
	کارشناسی	۴۱	۲۳
	کارشناسی ارشد	۱۶	۹
وضعیت تاهل	دکتری و بالاتر	۶	۳/۴
	مجرد	۴۲	۲۳/۶
	متاهل	۱۰۷	۶۰/۱
	جداشده	۲۰	۱۱/۲
طبقه آسیب‌پذیری	همسر فوت شده	۹	۵/۱
	سرپرست خانوار	۴۴	۲۴/۶
	اعتیاد همسر	۵۷	۳۱/۸
	اعتیاد خود شخص	۵۰	۲۷/۹
	زندانی بودن همسر	۹	۵
شغل	داشتن شرکای جنسی متعدد	۱۹	۱۰/۶
	بیکار	۷۰	۳۹/۳
	کارمند	۴۱	۲۳
	آزاد	۵۸	۳۲/۶
شغل همسر	بازنشسته	۹	۵/۱
	بیکار	۱۳	۱۱/۷
	کارمند	۲۳	۲۰/۷
	آزاد	۶۸	۶۱/۳
ارزایی از میزان کفایت درآمد ماهانه	بازنشسته	۷	۶/۳
	اصلاً کفایت نمی‌کند	۵۱	۲۸/۷
	تا حدودی کفایت می‌کند	۱۰۹	۶۱/۲
ارزایی طبقه اجتماعی اقتصادی	کاملاً کفایت می‌کند	۱۸	۱۰/۱
	پایین	۵۲	۲۹/۲
	متوسط	۱۱۱	۶۲/۴
میزان رضایت از طبقه اجتماعی اقتصادی	بالا	۱۵	۸/۴
	اصلاً راضی نیستم	۷۱	۳۹/۹
	تا حدودی راضی هستم	۹۶	۵۳/۹
دفعات ازدواج	کاملاً راضی هستم	۱۱	۶/۲
	۱ بار	۱۱۷	۶۵/۷
	۲ بار	۱۸	۱۰/۱
سابقه تجاوز	۳ بار	۱	۰/۶
	بله	۴۰	۲۲/۵
	خیر	۱۳۸	۷۷/۵
مصرف سیگار	بله	۵۸	۳۲/۶
	خیر	۱۲۰	۶۷/۴
مصرف قلیان	بله	۶۲	۳۴/۸
	خیر	۱۱۶	۶۵/۲
سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جسمی	بله	۱۰۲	۵۷/۳
	خیر	۷۶	۴۲/۷
سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی	بله	۴۹	۲۷/۵
	خیر	۱۲۹	۷۱/۵
سابقه بیماری‌های روانی تشخیص داده شده توسط پزشک	بله	۴۲	۲۳/۶
	خیر	۱۳۶	۷۶/۴

میانگین و انحراف معیار سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت $23/23 \pm 12/02$ بود. میانگین و انحراف معیار خودشکوفایی $28/12 \pm 6/77$ ، میانگین و انحراف معیار مسئولیت پذیری $31/90 \pm 6/18$ ، میانگین و انحراف معیار حمایت بین فردی $19/25 \pm 4/65$ ، میانگین و انحراف معیار مدیریت استرس $13/11 \pm 3/35$ ، میانگین و انحراف معیار ورزش $14/83 \pm 5/62$ ، میانگین و انحراف معیار تغذیه $19/81 \pm 4/96$ بود. نتایج مطالعه حاضر نشان داد، بیشترین و کمترین نمره به ترتیب در ابعاد مسئولیت پذیری و مدیریت استرس می باشد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: میانگین و انحراف معیار مولفه های سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در زنان آسیب پذیر مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری در سال ۱۳۹۹

متغیر مورد بررسی	انحراف معیار ± میانگین	حد اقل	حد اکثر
خودشکوفایی	$28/12 \pm 6/77$	۱۴	۴۳
مسئولیت پذیری	$31/90 \pm 6/18$	۱۷	۴۹
حمایت بین فردی	$19/25 \pm 4/65$	۷	۳۳
مدیریت استرس	$13/11 \pm 3/35$	۶	۲۳
ورزش	$14/83 \pm 5/62$	۲	۳۴
تغذیه	$19/81 \pm 4/96$	۸	۳۲
سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت	$127/02 \pm 23/23$	۸۱	۱۹۳

با توجه به جدول شماره ۳، بر اساس آزمون آنالیز واریانس میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب وضعیت تاهل ($P < 0/202$)، تعداد فرزند ($P = 0/251$) تفاوت معنی داری نداشت. بر اساس آزمون آنالیز واریانس میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب سطح تحصیلات زنان ($P = 0/001$)، شغل زنان ($P = 0/001$)، ارزیابی از میزان کفایت درآمد ماهانه ($P = 0/001$)، وضعیت منزل مسکونی ($P = 0/001$)، وضعیت منزل مسکونی ($P = 0/001$) تفاوت معنی داری داشت.

با توجه به جدول شماره ۴ و بر اساس آزمون تی مستقل میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب سابقه مصرف سیگار زنان ($P = 0/386$)، سابقه و یا مصرف کنونی الکل ($P = 0/241$) تفاوت معنی داری نداشت. بر اساس آزمون تی مستقل میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب سابقه تجاوز زنان ($P = 0/006$)، سابقه مصرف قلیان ($P = 0/003$)، سابقه و یا

مصرف کنونی مواد مخدر ($P = 0/001$)، سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جسمی ($P = 0/019$)، سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی ($P = 0/007$) و سابقه بیماری های روانی تشخیص داده شده توسط پزشک ($P = 0/003$) تفاوت معنی داری داشت.

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین و انحراف معیار سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب متغیرهای جمعیتی شناختی (چندسطحی) در زنان آسیب پذیر مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری در سال ۱۳۹۹

متغیر جمعیت شناختی	سطوح متغیر مورد بررسی	انحراف معیار ± میانگین	مقدار ملاک آزمون (آلتایر واریانس)	معنی داری
سطح تحصیلات	ابتدایی	$110/91 \pm 18/7$	۷/۹۷۱	۰/۰۰۱
	راهنمایی	$111/24 \pm 14/0$		
	دیپلم	$125/46 \pm 21/9$		
	کاردی	$131/21 \pm 22/5$		
	کارشناسی	$129/66 \pm 22/4$		
شغل زنان	کارشناسی ارشد و بالاتر	$147/45 \pm 22/4$	۱۶/۲۵	۰/۰۰۱
	کل	$127/02 \pm 23/23$		
	یک کار	$114/79 \pm 18/0$		
	کارمند	$142/27 \pm 21/9$		
	آزاد	$130/95 \pm 23/3$		
ارزیابی از میزان کفایت درآمد ماهانه	بازنشسته	$127/44 \pm 15/7$	۱۷/۵۴	۰/۰۰۱
	اصلا کفایت نمی کند	$114/35 \pm 20/0$		
	تا حدودی کفایت می کند	$129/70 \pm 21/25$		
	کاملاً کفایت می کند	$146/72 \pm 24/60$		
	پایین	$115/92 \pm 17/38$		
طبقه اجتماعی اقتصادی	متوسط	$129/72 \pm 22/46$	۱۲/۱۲	۰/۰۰۱
	بالا	$145/53 \pm 29/60$		
	ملاک	$131/92 \pm 22/31$		
وضعیت منزل مسکونی	مستاجر	$117/38 \pm 20/68$	۰/۵۳۷	۰/۰۰۲
	زندگی با خانواده خود یا همسر	$127/58 \pm 25/04$		

جدول شماره ۴: مقایسه میانگین و انحراف معیار سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب متغیرهای جمعیتی شناختی (دوسطحی) در زنان آسیب پذیر مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری در سال ۱۳۹۹

متغیر جمعیت شناختی	سطوح متغیر مورد بررسی	انحراف معیار ± میانگین	مقدار ملاک آزمون (ت مستقل و من ویتنی)	معنی داری
سابقه تجاوز	بله	$118/25 \pm 22/77$	۲/۷۶۳	۰/۰۰۶
	خیر	$129/57 \pm 22/81$		
مصرف قلیان	بله	$120/08 \pm 19/65$	۲/۹۷۹	۰/۰۰۳
	خیر	$130/73 \pm 24/20$		
سابقه و یا مصرف کنونی مواد مخدر	بله	$106/00 \pm 13/20$	۴/۵۲۶	۰/۰۰۱
	خیر	$129/66 \pm 22/88$		
سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جسمی	بله	$123/49 \pm 22/77$	۲/۳۷۲	۰/۰۱۹
	خیر	$131/76 \pm 23/14$		
سابقه و یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی	بله	$119/39 \pm 20/01$	۲/۷۵۲	۰/۰۰۷
	خیر	$129/92 \pm 23/77$		
سابقه بیماری های روانی تشخیص داده شده توسط پزشک	بله	$117/74 \pm 23/46$	۳/۰۳۱	۰/۰۰۳
	خیر	$129/89 \pm 22/48$		

نتایج مطالعه نشان داد، مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت بر حسب متغیرهای جمعیتی اجتماعی (سن، تحصیلات، شغل، ارزیابی میزان کفایت درآمد ماهانه، سابقه یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی) از نظر آماری با $P=0/001$ معنی دار می باشد. ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۳۴ است در نتیجه متغیرهای مذکور می توانند ۳۴ درصد در مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت موثر باشند (جدول شماره ۵).

بحث

این مطالعه با هدف تعیین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامتی در زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری و عوامل جمعیتی اجتماعی مرتبط با آن در سال ۱۳۹۹ صورت پذیرفت. در این مطالعه ۱۷۸ نفر از زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری، مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد، بیش ترین و کم ترین نمره به ترتیب در ابعاد مسئولیت پذیری و مدیریت استرس می باشد. در مطالعه مقدم تبریزی و همکاران، بیش ترین و کم ترین نمره به ترتیب در ابعاد مسئولیت پذیری و تغذیه به دست آمد (۱۶). در مطالعه عابدی و همکاران بیش ترین میانگین ابعاد سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت مربوط به ابعاد مسئولیت پذیری در سلامت و خودشکوفایی و کم ترین میانگین مربوط به بعد ورزش بوده است (۲۷). نتایج مطالعه حاضر با مطالعه محمدیگی و همکاران و مطالعه عابدی و همکاران در بعد مسئولیت پذیری همسو بود (۲۸، ۲۷). در مطالعه Wei و همکاران و Raiyat و همکاران، کم ترین نمره به بعد مسئولیت پذیری سلامت مربوط بود که با نتایج این مطالعه همخوانی نداشت (۳۰، ۲۹). تغییرات ایجاد شده در جوامع در دهه های اخیر باعث تغییر ساختار خانواده، مسئولیت پذیری بیش تر و استرس بیش تر برای اداره زندگی توسط زنان شده است. استرس می تواند منجر به بروز بیماری های جسمی و روانی، اختلال در عملکرد و قدرت سازگاری و در نهایت پایین

برای ارزیابی ارتباط متغیرهای جمعیت شناختی، ابتدا متغیر سبک ارتقاءدهنده سلامت براساس مطلوب بودن (نمره بالای ۱۳۰) و نامطلوب بودن (نمره کم تر از ۱۳۰) تقسیم بندی شد و تاثیر فاکتورها با استفاده از روش رگرسیون لجستیک ارزیابی شد. پس از وارد نمودن کلیه متغیرهای مرتبط، نتایج مهم در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. نتایج جدول نشان می دهد که داشتن وضعیت مطلوب در سبک زندگی در افراد بالای ۵۰ سال نسبت به افراد کم تر از ۴۰ سال ۳/۳۰ برابر می باشد. داشتن وضعیت مطلوب در سبک زندگی در افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی ۲/۵۱ برابر بیش تر از افراد با تحصیلات دیپلم و پایین تر است. افراد دارای شغل آزاد ۴/۰۹ برابر بیش تر از افراد بیکار و بازنشسته در وضعیت مطلوبی در زمینه سبک زندگی قرار دارند. افراد با کفایت درآمد بالا ۸/۰۹ برابر بیش تر از افراد با کفایت درآمد پایین وضعیت مطلوبی در سبک زندگی دارند. افرادی که مبتلا به بیماری جنسی هستند، ۲/۳۱ برابر بیش تر از افرادی که مبتلا نیستند سبک زندگی مطلوبی دارند.

جدول شماره ۵: آنالیز رگرسیون لجستیک مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت براساس متغیرهای جمعیتی زنان آسیب پذیر مراجعه کننده به مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر ساری در سال ۱۳۹۹

متغیر	B (ضریب استاندارد نشده رگرسیون)	خطای استاندارد	آماره و والد	درجه آزادی	سطح معنی داری	EXP (B)	پیش بین
ضریب ثابت	-۳/۱۷	۰/۶۱۵	۲۶/۶۶	۱	<۰/۰۰۱	۰/۰۴	سن
کم تر از ۴۰ سال	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
۴۰-۵۰ سال	۰/۷۲۸	۰/۴۶۵	۲/۴۵	۱	۰/۱۱۷	۲/۰۷	۵۰
۵۰ سال و بالاتر	۱/۱۹۴	۰/۵۲۵	۵/۱۷	۱	۰/۰۲۳	۳/۳۰	تحصیلات
دیپلم و کم تر	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
بالای دیپلم	۰/۹۲۲	۰/۴۰۱	۵/۲۷	۱	۰/۰۲۲	۲/۵۱	۵۰
شغل	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
بیکار	۱/۴۱۰	۰/۴۳۷	۱۰/۴۳	۱	۰/۰۰۲	۴/۰۹	۵۰
آزاد	۰/۹۱۵	۰/۵۱۵	۳/۱۵	۱	۰/۰۷۶	۲/۴۹	تحصیلات
کارمند	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
ارزایی کفایت درآمد	۰/۹۲۰	۰/۴۵۳	۴/۱۲	۱	۰/۰۴۲	۲/۵۱	۵۰
پایین	۲۱/۱۷	۷۴۲۷/۹	۰	۱	۰/۰۰۸	۸/۰۹	بالا
متوسط	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
بالا	۰/۸۴۰	۰/۴۳	۳/۸۱	۱	۰/۰۵۱	۲/۳۱	۵۰
ابتلا به بیماری جنسی	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
عدم ابتلا	۰/۸۴۰	۰/۴۳	۳/۸۱	۱	۰/۰۵۱	۲/۳۱	۵۰
ابتلا	مرجع	-	-	-	-	-	۴۰
عدم ابتلا	۰/۸۴۰	۰/۴۳	۳/۸۱	۱	۰/۰۵۱	۲/۳۱	۵۰

آمدن کیفیت زندگی شود (۳۱). محققان معتقدند که سبک‌های زندگی ارتقا دهنده سلامت یک منبع سودمند برای کاهش عوامل استرس‌زای زندگی است و تأثیر قابل توجهی در کاهش هزینه‌های سلامتی، افزایش امید به زندگی افراد و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها دارد؛ بنابراین چنین سبکی از زندگی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردار است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که بر اساس مدل مفهومی استرس، استرس می‌تواند بر سازگاری روانشناختی و فیزیولوژیکی بیماران تأثیر بگذارد. درک بیمار از بیماری و راهبردهای مقابله با استرس و حمایت اجتماعی ادراک شده، از اهمیت بالایی برای بازسازی شناختی، در دست گرفتن کنترل بیماری و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مرتبط با سلامت برخوردار است (۳۲).

میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب وضعیت تاهل تفاوت معنی‌داری نداشت. در مطالعه مقدم تبریزی و همکاران بین تاهل با رفتارهای ارتقا دهنده سلامت ارتباط مثبت معنی‌داری مشاهده شد (۱۶). به‌طور کلی وضعیت تاهل بر سلامت افراد تأثیر می‌گذارد. در ایران نیز زنان متأهل به علت مسئولیت در قبال انجام وظایف خانه‌داری، فعالیت فیزیکی کم‌تری دارند و همچنین از تغذیه ناسالم و توجه کمتر به سلامتی خود برخوردارند (۳۳). وضعیت تاهل نیز یکی از متغیرهای جمعیت‌شناختی است که ارتباط متفاوتی را در مطالعات مختلف نشان داده است. مطالعه لیم و همکاران نشان داد وجود همسر، احتمال پیروی از رفتارهای ارتقاء سلامت را افزایش می‌دهد (۳۴). اما مطالعه فلاح طاهرپذیر و همکاران نشان داد که افراد متأهل موانع بیشتری در انجام دادن رفتارهای ارتقا دهنده سلامت دارند (۳۵). در حالی که مطالعه موحد و همکاران نشان داد افرادی که تنها زندگی می‌کنند، سبک زندگی ارتقا دهنده پایین‌تری دارند (۳۶). علاوه بر این، زمانی که وضعیت تاهل در سنین سالخوردگی مدنظر باشد، نتایج متفاوت از سنین دیگر است.

میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب سطح تحصیلات زنان تفاوت معنی‌داری داشت. نتایج مقایسات زوجی نشان داد میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در افراد با سطح تحصیلات بالاتر، بیش‌تر بود. در مطالعه مقدم تبریزی و همکاران بین سطح تحصیلات با رفتارهای ارتقا دهنده سلامت ارتباط مثبت معنی‌داری مشاهده شد (۱۶). در مطالعات دیگر که توسط حسین‌پور و همکاران و هم چنین Li و همکاران صورت گرفت تحصیلات را از جمله متغیرهای اساسی در تعیین سلامت در زنان می‌دانند (۳۸، ۳۷). تحصیلات بالا می‌تواند عامل مهمی در هدایت زنان جهت اتخاذ رفتارهای مرتبط با سلامت و اجرای آن‌ها در عمل باشد. هم تحصیلات زن و هم تحصیلات همسر وی از طریق تأثیر بر رفتارهای شیوه زندگی (مثل تغذیه و ورزش) ارزش‌ها و ظرفیت حل مشکلات، با نتایج سلامت، مرتبط در نظر گرفته می‌شوند.

میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب شغل زنان تفاوت معنی‌داری داشت. نتایج مقایسات زوجی نشان داد میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت در افراد کارمند بیش‌تر از افراد خانه‌دار، افراد دارای شغل آزاد بیش‌تر از افراد خانه‌دار و در افراد کارمند بیش‌تر از افراد دارای شغل آزاد بود. در مطالعه مقدم تبریزی و همکاران بین شغل با رفتارهای ارتقا دهنده سلامت ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد (۱۶). نتایج مطالعه میرغفوروند و همکاران (۳۹) با نتایج مطالعه حاضر همسو بود.

در مطالعه حاضر، میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب ارزیابی از میزان کفایت درآمد ماهانه زنان تفاوت معنی‌داری داشت. به‌طوری‌که افراد با درآمد ماهانه کافی بالاترین میانگین سبک ارتقا دهنده سلامت را داشتند. میانگین سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بر حسب ارزیابی طبقه اجتماعی-اقتصادی زنان تفاوت معنی‌داری داشت. به‌طوری‌که افراد با ارزیابی طبقه اجتماعی-اقتصادی بالا، بالاترین میانگین سبک ارتقا دهنده سلامت را داشتند. در مطالعه طل و همکاران

زنانی که وضعیت اقتصادی خود را "کاملاً کفاف زندگی را می‌دهد" توصیف نمودند، نمره بهتری از رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت را نسبت به سایر گروه‌ها کسب نمودند (۴۰). اگرچه این نتایج با مطالعه Deaton همخوانی داشت اما مشخص نیست که وضعیت اقتصادی مطلوب منجر به سلامتی می‌شود یا سلامتی منجر به کار و درآمد بیشتر می‌شود (۴۱). شغل زن و شغل همسر و کفایت درآمد ماهانه از عوامل تأثیرگذار دیگر بر سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت هستند، که بر تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر سلامت تأکید دارد بدین معنا که زنان شاغل و زنانی که همسران شاغل دارند، دسترسی بیشتری به مراقبت‌های بهداشتی داشته و امکانات بیشتری برای تهیه مسکن و تغذیه مناسب و زندگی در محل‌های امن‌تر در اختیار دارند، بنابراین فرصت بهتری جهت انجام رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت خواهند داشت.

میانگین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت بر حسب رضایت از طبقه اجتماعی-اقتصادی زنان تفاوت معنی‌داری داشت، به‌طوری‌که میانگین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت افرادی که کاملاً راضی بودند، بالاتر بود. درآمد پایین افراد را در معرض استرس‌های بیش‌تر نظیر شرایط زندگی ضعیف یا فشار اقتصادی قرار می‌دهد که آن‌ها را مستعد مشکلات روانی می‌کند که ارائه خدمات مراقبت روان ممکن است مفید و کمک‌کننده باشد (۴۲).

میانگین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت بر حسب تعداد فرزند زنان تفاوت معنی‌داری نداشت. در مطالعه عابدی و همکاران تعداد فرزندان از جمله عوامل مؤثر دیگر بر سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت بود (۲۷). مطالعه Enjezab و همکاران در یزد بر روی زنان میانسال نشان داد که ارتباط منفی معنی‌داری بین تعداد فرزند و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت وجود دارد بدین معنی که زنانی که فرزندان بیش‌تری داشتند سبک زندگی پایین‌تری را دارا بودند (۴۳). در مطالعه کریمی، میان تعداد فرزندان همراه خانواده و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت، رابطه‌ای معنی‌دار وجود داشت، به‌طوری‌که افراد دارای

۱ یا ۲ فرزند، رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت بهتری داشتند (۴۴). شاید علت این مسئله این باشد که زنان دارای فرزندان بیش‌تر، وقت و فرصت کم‌تری برای دریافت مراقبت‌های مربوط به سلامتشان دارند.

بر اساس مدل رگرسیون لجستیک، نتایج نشان داد، مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت بر حسب متغیرهای جمعیتی اجتماعی (سن، تحصیلات، شغل، ارزیابی میزان کفایت درآمد ماهانه، سابقه یا ابتلای فعلی به بیماری جنسی) از نظر آماری با $P=0/001$ معنی‌دار می‌باشد. ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۳۴ است در نتیجه متغیرهای مذکور می‌توانند ۳۴ درصد در مطلوب بودن سبک ارتقاءدهنده سلامت موثر باشند.

در مطالعه عابدی و همکاران نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک نشان داد که تعداد فرزند، تحصیلات و شغل زن و تحصیلات و شغل همسر از عوامل مؤثر بر سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت بودند (۲۷). در مطالعه عبدالکریمی و همکاران بین رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت با سطح اقتصادی، تحصیلات و جنس ارتباط آماری معنی‌داری وجود داشت (۴۵). در مطالعه میرغفوروند و همکاران رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت با سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، کفایت درآمد برای هزینه‌ها، منبع حمایت اولیه، بعد خانوار، شاخص توده بدنی، سطح تحصیلات و شغل همسر برای شرکت‌کنندگان متاهل به طور معنی‌داری ارتباط داشت (۳۹).

سبک‌های زندگی ارتقاءدهنده سلامت می‌توانند در کیفیت زندگی بالا نقش داشته باشند، زیرا افرادی که از سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت استفاده می‌کنند، بدون مواجهه با فشار بیماری و ناتوانی، سالم باقی می‌مانند. در مقابل سبک‌های زندگی ناسالم مانند سیگار کشیدن، رژیم غذایی نامناسب، زندگی بی‌تحرك و مصرف بیش از حد الکل می‌توانند منجر به افزایش خطر ابتلا به بیماری و مرگ شوند (۴۶). مدیریت روزانه خانواده توسط زنان آسیب‌پذیر، آن‌ها را با مسائل متعدد مالی، معنوی و خصوصاً آسیب‌های جسمی از قبیل اختلالات تغذیه‌ای،

اختلال خواب، خستگی زود هنگام و بیماری‌های متعدد روبرو می‌کند که اغلب ناشی از درگیر شدن با مشکلات نقش‌های جدید مانند سرپرستی، انجام کارهای سخت، کاهش احساس مسئولیت نسبت به مراقبت از سلامت خود در رقابت با تامین نیازهای فرزندان، احساس تنهایی و ناامیدی نسبت به خود و نقص در سیستم حمایتی خانوادگی و اجتماعی می‌باشد. بنابراین این زنان برای آن که توان کافی برای سرپا نگه داشتن خانواده را داشته باشند، می‌بایست در وهله نخست از سلامت جسمانی کافی برخوردار باشند. بنابراین این افراد نیازمند توانمندسازی به منظور ارتقاء رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت به ویژه در بعد جسمی می‌باشند (۱۸).

با توجه به اهمیت رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در ارتقاء سلامت افراد جامعه به خصوص زنان، شناخت و بهبود هر چه بیش‌تر این عوامل در قالب مطالعات مداخله‌ای و کاربردی می‌تواند مؤثر واقع شود. علاوه بر این افزایش آگاهی در مورد چنین عواملی می‌تواند نقش تعیین‌کننده در بهبود سلامت زنان داشته باشد. یافته‌های مطالعه بیانگر این بود که در مجموع رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در میان زنان مورد مطالعه در حد متوسط بوده است.

نتایج این مطالعه جهت تعیین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامتی در زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بیماری‌های رفتاری شهر ساری و عوامل جمعیتی اجتماعی مرتبط با آن نشان داد داشتن وضعیت مطلوب در سبک زندگی در افراد بالای ۵۰ سال نسبت به افراد کم‌تر از ۴۰ سال ۳/۳۰ برابر می‌باشد. داشتن وضعیت مطلوب در سبک زندگی در افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی ۲/۵۱ برابر بیش‌تر از افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر است. افراد دارای شغل آزاد ۴/۰۹ برابر بیش‌تر از افراد بیکار و بازنشسته در وضعیت مطلوبی در زمینه سبک زندگی قرار داشتند. افراد با کفایت درآمد بالا ۸/۰۹ برابر بیش‌تر از افراد با کفایت درآمد پایین وضعیت مطلوبی در سبک زندگی داشتند. افرادی که مبتلا به بیماری جنسی هستند، ۲/۳۱ برابر بیش‌تر از افرادی که مبتلا

نیستند، سبک زندگی مطلوبی داشتند. بنابراین، متخصصان سلامت بایستی سطوح رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت و عوامل مرتبط با آن را در جهت ارتقاء کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، مدنظر قرار دهند. این رویکرد می‌تواند به متصدیان و سیاست‌گزاران سلامت برای پیشگیری و هدف قرار دادن مشکلات زنان آسیب‌پذیر کمک کند.

در این مطالعه به منظور زمینه‌یابی، از پرسشنامه‌ها به صورت خودگزارشی استفاده شد، در نتیجه ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده و پاسخ غیر واقعی داده باشند. تعداد زیاد گویه‌های پرسشنامه‌ها به طولانی شدن زمان اجرای آن انجامید که بر مقدار دقت پاسخ‌های شرکت‌کنندگان بی‌تاثیر نبوده است. نتایج مطالعه حاضر قابل تعمیم به زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بیماری‌های رفتاری بوده است و در صورت نیاز به تعمیم به سایر افراد می‌بایست با احتیاط و دانش کافی این کار صورت بگیرد.

به محققان پیشنهاد می‌شود بررسی مقایسه‌ای بین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامتی در زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بیماری‌های رفتاری با زنان بدون مشکل و همچنین بررسی سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامتی در خانواده زنان آسیب‌پذیر را در مطالعات آینده در نظر داشته باشند.

سپاسگزاری

این مطالعه با حمایت مالی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران انجام شد و طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه علوم پزشکی مازندران با شماره تصویب ۴۰۶۶ می‌باشد بدین وسیله مجریان طرح از معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی مازندران تشکر و قدردانی می‌نمایند. نویسندگان این مقاله لازم می‌دانند مراتب قدردانی خود را از زحمات مدیریت مرکز مشاوره بیماری‌های رفتاری شهرستان ساری، کلیه پرسنل مرکز و تمامی بانوان محترمی که در اجرای این مطالعه ما را یاری نمودند، ابراز نمایند.

References

1. Ghamat J, Saberi Ghomi P. Iran's Accession to the Convention on the Elimination of Discrimination against Women, Opportunities and Threats. *Studies of International Relations J* 2012; 5(18): 179-212 (Persian).
2. Boldaji LT, Foruzan A, Rafiey H. Quality of life of head-of-household women: A comparison between those supported by Welfare Organization and those with service jobs. *REFAHJ* 2011; 11(40): 9-28 (Persian).
3. Galderisi S, Heinz A, Kastrup M, Beezhold J, Sartorius N. Toward a new definition of mental health. *World Psychiatry* 2015; 14(2): 231-233. PMID: 26043341.
4. Afshani S, Fatehi E. An Investigation of Socio-cultural Factors influencing Women Householder Abilities in the City of Tabriz. *Quarterly Journal of Women and Society* 2017; 7(27): 19-38 (Persian).
5. Fatema SR, East L, Islam MS, Usher K. Health impact and risk factors affecting south and southeast Asian women following natural disasters: a systematic review. *Int J Environ Res Public Health* 2021; 18(21): 11068. PMID: 34769589.
6. Zanganeh Motlagh F, Abbasi F, Ebrahimi S. Effect of healthy lifestyle psycho-educational training on university students' quality of life (physical and psychological) and social health. *Islamic Lifestyle with a Focus on Health* 2018; 2(1): 1-4 (Persian).
7. Bayat M, Sharifi M, Pezhhan A, Baghaei Sarabi A, Shayegan F. Predictors of a Health-Promoting Lifestyle in Women of Reproductive Age. *Med Surg Nurs J* 2020; 9(3): e110264
8. Solhi M, Kazemi SS, Haghni H. Relationship between general health and self-efficacy in women referred to health center No. 2 in Chaloos (2012). *Razi Journal of Medical Sciences* 2013; 20(110): 63-70 (Persian).
9. Hsiao CY, Chien MJ, Wu HS, Chiao CY. Correlates of health-promoting lifestyle behaviors among Vietnamese female immigrants in Taiwan. *Women Health* 2017; 57(3): 342-357. PMID: 26959383.
10. Peltzer K, Pengpid S, Mohan K. Prevalence of health behaviors and their associated factors among a sample of university students in India. *Int J Adolesc Med Health* 2014; 26(4): 531-540.
11. Khosravan S, Alami A, Mansoorian MR, Kamali M. The Effect of Intervention Based on Pender's Model of Health-Promoting Self-Care Behaviors in Women who are the Head of their Household. *Nursing and Midwifery Studies*. 2016; 5(4).
12. Chehri M, Farsi Z, Zareiyan A. The Effect of a Healthcare Plan Based on the Pender Health Promotion Model on Quality of Life in Patients With Heart Failure in a Military Setting. *MCS* 2018; 5(1): 13-25 (Persian).
13. Kim M-S, Yun S-Y. Effects of eating habits and self-efficacy on nursing students' health promotion behaviors: in convergence era. *J Converg Inf* 2017; 7(2): 111-117.
14. Shaahmadi F, Shojaeizadeh D, Sadeghi R, Arefi Z. Factors influencing health promoting behaviours in women of reproductive age in Iran: based on Pender's health promotion model. *Open Access Maced J Med Sci* 2019; 7(14): 2360-2364. PMID: 31592009.
15. Rezaei M, Mahmoodi F. Meaning reconstruction of women headed of household's quality of life: a qualitative study. *Journal of Applied Sociology* 2019; 30(1): 143-166 (Persian).
16. Shaykhi N, Najafi S. Investigating the Status

- of Health Promoting Behaviors and Its relation to Self-Efficacy and Social Support in Female Heads of Suburban Households of Urmia City. *Avicenna J Nurs Midwifery Care* 2020; 27(6): 394-404 (Persian).
17. Maleki Z, Vali M, Mobasheri F. Health-promoting behaviors in women in Fasa city. *J Prevent Med* 2020; 7(3): 11-19 (Persian).
 18. Khosravan S, Alami A, Mansoorian M, Kamali M. Health-Promoting Behaviors and its Related Factors in Iranian Female Household Heads Based on Pender's Model. *Health Edu Health Promot* 2019; 7(3): 125-131. (Persian).
 19. Hurlbut JM, Robbins LK, Hoke MM. Correlations between spirituality and health-promoting behaviors among sheltered homeless women. *J Community Health Nurs* 2011; 28(2): 81-91. PMID: 21541870.
 20. Sarkar J. Mental health assessment of rape offenders. *Indian J Psychiatry* 2013; 55(3): 235-243. PMID: 24082243.
 21. kaveh MH, Jafari A, Keshavarzi S, Momenabadi V, Taheri M, Dehbozorgi F, et al. Evaluation of explanation of the BASNEF model on smoking waterpipe among the students one of the medical universities located in the south of Iran. *Iran J Health Educ Health Promot* 2019; 7(4): 312-322 (Persian).
 22. Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P. Comprehensive textbook of psychiatry. Philadelphia; IWW : 2000.
 23. Gordis L. Epidemiology E-Book. Amsterdam, Elsevier Health Sciences; 2013.
 24. Sn W, Kr S, Nj P. The Health Promoting Lifestyle Profile Development and Psychometric Characteristics. *Nurs Res* 1987; 36(2): 76-80. PMID: 3644262.
 25. Mohammadi Zeidi I, Pakpour Hajiagha A, Mohammadi Zeidi B. Evaluation of educational programs based on the theory of planned behavior on employees' safety behaviors. *J Mazandaran Univ Med Sci* 2013; 22(97): 166-177 (Persian).
 26. Hosseini M, Yaghmaei F, Hosseinzade S, Alavi MH, Sarbakhsh P, Tavousi M. Psychometric Evaluation Of The "Health Promoting Life Style Profile 2". *Payesh* 2012; 11(6): 849-856 (Persian).
 27. Abedi P, Jorfi M, Afshari P. Evaluation of the health promotion lifestyle and its related factors in reproductive aged women in Ahvaz, Iran. *Community Health Journal* 2015; 9(1): 68-74 (Persian).
 28. Mohammadbeigi A, Anbari Z, Mohammadsalehi N, Mahdipour A, Ahmadli R, Ansari H. Study of the relationship between self-efficacy and health-promoting lifestyle and associated factors in nurses. *Qom Univ Med Sci J* 2016; 10(7): 49-57 (Persian).
 29. Wei C-N, Harada K, Ueda K, Fukumoto K, Minamoto K, Ueda A. Assessment of health-promoting lifestyle profile in Japanese university students. *Environ Health Prev Med* 2012; 17(3): 222-227.
 30. Raiyat A, Nourani N, SAMIEI SF, Sadeghi T, Alimoradi Z. Health Improving Behaviors in students of Qazvin Secondary schools in 2011. *Journal of Health* 2012; 3(3): 51-59 (Persian).
 31. Feizi A. Study of relationship between stress and different lifestyle dimensions with quality of life in Isfahan's inhabitants aged 19 and older an application of latent class regression on latent factor predictors. *Health System Research* 2011; 7(6): 1188-1202 (Persian).
 32. Malekzadeh M, Hashemi Mohammad Abad N, Vazir S. Health Related Quality of Life, Perceived Stress, Depression, Perceived Social Support, Coping Strategies and Health Locus

- of Control in Patients with Gastrointestinal Cancer; A Path Analysis Study. *Journal of Clinical Care and Skills* 2020; 1(1): 23-30 (Persian).
33. Azizi F, Eyni E. Women, occupation, marital status and non-communicable disease risk factors: findings from the Tehran Lipid and Glucose Study. *Payesh* 2008; 7(1): 11-15 (Persian).
 34. Lim YM, Sung MH, Joo KS. Factors affecting health-promoting behaviors of community-dwelling Korean older women. *J Gerontol Nurs* 2010; 36(10): 42-50. PMID: 20506936.
 35. Zeighami Mohamadi S, Alhani F, Shakoor M, Farmani P, Mohseni B, Fallah Taherpazir E. Self-care behaviors in patients with systolic heart failure. *Journal of Nursing and Midwifery Sciences* 2015; 2(1): 46-54 (Persian).
 36. Movahed M, Enayat H, Zanjari N. Healthy ageing: A comparative analysis of health promoting lifestyle among elderly males and females in shiraz. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences* 2015; 12(1): 197-223 (Persian).
 37. Hosseinpour AR, Stewart Williams J, Amin A, Araujo de Carvalho I, Beard J, Boerma T, et al. Social determinants of self-reported health in women and men: understanding the role of gender in population health. *PloS One* 2012; 7(4): e34799. PMID: 22514667.
 38. Li Y-H, Nie X-Q, Yang C, Pang J, Zhang G, Tao M-X. Study on lifestyle and self-rated health among 5 kinds of occupational populations in 6 provinces in China. *Zhonghua Yu Fang Yi Xue Za Zhi* 2012; 46(3): 214-219. PMID: 22800590.
 39. Mirghafourvand M, Baheiraei A, Nedjat S, Mohammadi E, Charandabi SM-A, Majdzadeh R. A population-based study of health-promoting behaviors and their predictors in Iranian women of reproductive age. *Health Promot Int* 2015; 30(3): 586-594. PMID: 24395956.
 40. Tol A, Yekaninejad M, Sabouri M. Influential factors on health promoting behaviors and happiness among women. *RJMS* 2018; 25(4): 11-22 (Persian).
 41. Deaton A. Health, inequality, and economic development. *Journal of Economic Literature* 2003; 41(1): 113-158.
 42. Murata C, Kondo K, Hirai H, Ichida Y, Ojima T. Association between depression and socio-economic status among community-dwelling elderly in Japan: the Aichi Gerontological Evaluation Study (AGES). *Health Place* 2008; 14(3): 406-414. PMID: 17913562.
 43. Enjezab B, Farajzadegan Z, Taleghani F, Aflatoonian A, Morowatisharifabad MA. Health promoting behaviors in a population-based sample of middle-aged women and its relevant factors in Yazd, Iran. *Int J Prev Med* 2012; 3(Suppl1): S191-198. PMID: 22826765.
 44. Karimy M. Evaluation of the effect of educational intervention based on empowerment model of health promotion behaviors on menopausal women. *Daneshvar Medicine*. 2011;19(94):73-80 (Persian).
 45. Abdolkarimy M, Zareipour M, Mahmoodi H, Dashti S, Faryabi R, Movahed E. Health promoting behaviors and their relationship with self-efficacy of health workers. *Iran Journal of Nursing* 2017; 30(105): 68-79 (Persian).
 46. Mak YW, Kao AH, Tam LW, Virginia W, Don T, Leung DY. Health-promoting lifestyle and quality of life among Chinese nursing students. *Prim Health Care Res Dev* 2018; 19(6): 629-636. PMID: 29623871.